

آزادگی

جای خالی

۱- جای خالی را با حرف مناسب پر کن. (خوب به معنی هر واژه دقت کن!)

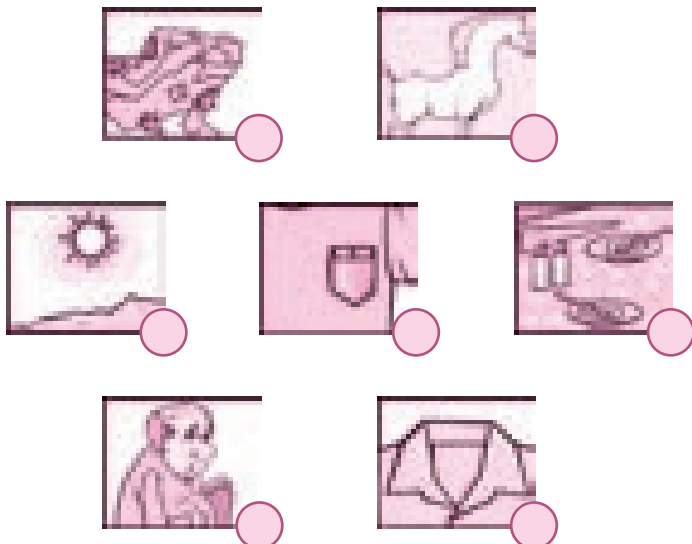
۱. م..... رور : متکبر؛ خودپسند (ق؛ غ)
۲. خ..... : انسان پست و بی‌ارزش (س؛ ص؛ ث)
۳. دل..... : لباس کهنه و پوسیده (ق؛ غ)
۴.فتن: سوراخ کردن (س؛ ص؛ ث)
۵.ا: بخشش؛ نعمت‌دادن (ع؛ ا) (ت؛ ط)
۶. شکرگ.....ار: شکرکننده (ز؛ ذ)
۷.نا: ستایش (س؛ ص؛ ث)



۲- در هر بیت، برای واژه‌ای که زیر آن خط کشیده شده است، یک واژه «هم‌معنی» در جای خالی بنویس.

- | | |
|--|---|
| <p>عزّ آزادی و آزادگیام</p> <p>دولت چیست؟ عزیزیت کدام؟</p> <p>گفت: ای پیر <u>خرف‌گشته</u>، خموش!</p> <p>از او دور، چشمِ بد و بی‌نیاز</p> | <p>۱. داد با این همه <u>افتادگیام</u></p> <p>۲. خار بر پشت، زنی <u>زین‌سان</u> گام</p> <p>۳. آمد آن شکرگزاریش به گوش</p> <p>۴. بماناد جاوید در <u>عزّ</u> و ناز</p> |
|--|---|

۳- کنار هر تصویر، شمارهٔ واژهٔ مناسبش را بنویس. (یک واژه و یک تصویر اضافه است!)



۱. چرخ
۲. نژند
۳. خس
۴. دلق
۵. چاشت
۶. جیب
۷. رخش



۴- در عبارتهای زیر با دقت تمام جستجو کن و برای واژههای نوشته شده، یک «مترادف» بیاب و در جای خالی بنویس.

انسان پست توده ستایش

۱. ثناخوان توأم تا زندهام، امّا یقین دارم که حقّ چون تو استادی نخواهد شد ادا، حافظ!
۲. شکر گویم که مرا خوار نساخت به خسی چون تو گرفتار نساخت
۳. بیرون آمدند، هر یکی پُشته‌ای نی به گردن نهاده و در هر پشته، شمشیری پنهان بود.

بیشتر بدان: فرق داشتنه باش!

مطمئنّاً شما هم در این سالهای دانش آموزی، بارها و بارها دیده‌ای و شنیده‌ای که واژه «چرخ» را به معنای «آسمان» به کار می‌برند؛ بعضی جاها هم وقتی می‌گویند «چرخ»، منظورشان «روزگار» است. تا به حال با خودت فکر کرده‌ای یا از کسی پرسیده‌ای که «چرخ»، مثل چرخ گاری و درشکه و دوچرخه و ماشین، چه ربطی به آسمان یا روزگار دارد؟! داستان از این‌جا شروع می‌شود که قدیمی‌ها اعتقاد داشتند که چون انسان برترین موجود عالم است و در زمین زندگی می‌کند، پس همه موجودات دیگر باید دور انسان بچرخند، حتّی آسمان. یعنی فکر می‌کردند زمین سر جایش ثابت است و آسمان و ستاره‌ها و ماه و خورشید در هر شبانه‌روز دور زمین در گردش و چرخش هستند. کم‌کم به خاطر همین فکر، به آسمان گفتند «چرخ»؛ چون مرتّب دور زمین در حال چرخیدن بود.

از طرف دیگر، قدیمی‌ها گمان می‌کردند که شکل قرار گرفتن ستاره‌ها در آسمان و پیدا یا ناپیدا بودن ستاره‌های خاصی در بعضی از شب‌های سال، در تعیین سرنوشت ما انسان‌ها و اتفاقاتی که قرار است در زندگی‌مان بیفتد، تأثیر دارد. حتّی عده‌ای بودند که از روی شکل و شمایل ستاره‌ها و دور یا نزدیک بودن آن‌ها، آینده دیگران را پیش‌بینی می‌کردند! این ماجرا همین‌طوری ادامه پیدا کرد تا کم‌کم، گاهی واژه «آسمان» یا «فلک» را به معنی «روزگار» و «سرنوشت» به کار بردند و خُرده‌خُرده، واژه «چرخ» هم - که یکی از نام‌های آسمان بود - به همین معنی، یعنی «سرنوشت» و «تقدیر» و «روزگار» به کار رفت.

۵- بهترین و درست‌ترین معنای هر مصراع را از بین گزینه‌ها پیدا کن و به مصراع وصل کن.

در هر قدم خداوند را شکر می‌کرد.

برای شکر خداوند، در هر قدم دانه‌ای می‌کاشت.

همه قدم‌هایش در راه شکر خداوند بود.

سوراخ کردن گوهر نعمت‌های تو

از گوهری که هدیه توست، استفاده کردن

توفیق شکر نعمت‌هایش تو را پیدا کردن

از دور شروع به راندن اسب کرد.

از دور شروع به فکر و خیال‌های بیهوده‌ای کرد.

از دور در فکر و خیالش شروع به راندن اسب کرد.

۱. هر قدم دانه شگری می‌کاشت

۲. گوهر شکر عطایت سفتن

۳. رخس پندار همی‌راند ز دور



۶- بیت‌های زیر را به نثر ساده و روان امروزی بازگردانی کن و بنویس.

۱. کنم از جیب نظر تا دامن چه عزیزی که نکردی با من؟!

۲. در دولت به رُخم بگشادی تاج عزّت به سرم بنهادی

۳. پیر گفتا که: چه عزّت زین به که نیام بر در تو بالین‌نه؟

در این درس می‌آموزیم که:

معنای برخی از واژه‌ها، در طول زمان کم‌کم تغییر می‌کند و مثلاً واژه‌ای که قبلاً معنای خاصی داشته، بعد از چندین قرن معنای دیگری پیدا می‌کند. گاهی معنای قدیمی و جدید، هر دو باقی می‌مانند؛ گاهی هم معنای قدیمی، رفته‌رفته فراموش می‌شود و معنای جدید جای آن را می‌گیرد. در تمرین بعد، باید به معنای کهن و امروزی واژه‌ها توجه کنی!



۷- با توجه به هر جمله، معنای واژه مورد نظر را در خانه مخصوصش بنویس.

واژه	کاربرد واژه در متن	معنای واژه در متن
دولت	پادشاهی را پرسیدند: این دولت و مقام به چه یافتی؟	
	از امروز دولت جدید کار خود را آغاز می‌کند.	
سپر	سپر بدین بزرگی را نمی‌بینی و سنگ بر سر من می‌زنی؟	
	شکر خدا، فقط سپر عقب کمی آسیب دیده‌است.	
مرغ	دوش ^۱ مرغی به صبح ^۲ می‌نالید / عقل و صبرم ببرد و هوش	
	مرغ‌ها را رها کرده‌ام که کمی در حیاط بچرخند.	
درشت	خارکش پیری با دلخ درشت / پشته‌ای خار همی‌برد به پشت	
	این میوه‌های درشت و خوشمزه را از کجا خریده‌ای؟	

۸- درباره تفاوت معنای واژه‌های «آزادی» و «آزادگی» پرس‌وجو کن؛ سپس با توجه به معنی دقیق آن‌ها، با هر کدام یک جمله زیبا بنویس.

آزادی:

آزادگی:

یادآوری از قبیم‌نیمیا:

همان‌طور که در درس سوم هم یادآوری کردیم، صدای «خا» در واژه‌های مختلف، به شکل‌های «خا» و «خوا» نوشته می‌شود و در معنای آن‌ها تغییر ایجاد می‌کند. در این درس واژه‌های «خار» و «خوار» را دیده‌ای که اصطلاحاً «هم‌آوا» هستند، یعنی مانند هم تلفظ می‌شوند، ولی معنایشان حسابی با هم فرق دارد. «خار» به معنی «تیغ» است و به زائده‌هایی گفته می‌شود که روی ساقه گل‌ها و گیاهان وجود دارد. اما «خوار» به معنی «پست» و «ذلیل» است و درباره انسان‌ها یا چیزهایی به کار می‌رود که بی‌ارزش و بی‌اهمیت باشند.



۹- با توجه به معنای کلی هر جمله، املاي درست را انتخاب کن و دور آن خط بکش.

۱. اگر (خار / خوار) بکاری، نباید انتظار داشته باشی که گل یاس درو کنی.

۲. با این حرف‌ها، فقط خودش را جلوی بقیه (خار / خوار) و رسوا می‌کند.

۳. فکر معقول بفرما، گل بی (خار / خوار) کجاست!؟

یاد از قدیم‌ندیم!

در سال‌های گذشته، بعد از این‌که با «ردیف» و «قافیه» آشنا شدیم و فهمیدیم که ردیف و قافیه چه هستند، یاد گرفتیم که شکل قرار گرفتن قافیه‌ها در بعضی شعرها مثل هم است و در برخی از شعرها با هم تفاوت دارد. شکل و نظم خاص قرار گرفتن قافیه‌ها در پایان مصراع‌ها و بیت‌های یک شعر، «قالب‌های شعری» را درست می‌کند.

○ ————— ○ —————

قدیم‌ترها، با قالب شعری «مثنوی» هم آشنا شده‌ای. خود واژه «مثنوی» به

□ ————— □ —————

معنای «دوتایی» است و به شعری مثنوی می‌گویند که مصراع‌های هر بیت

△ ————— △ —————

آن، قافیه‌های مانند هم داشته باشند. قافیه‌ها در هر بیت تغییر می‌کند و اگر

☆ ————— ☆ —————

بخواهیم «نمودار قافیه» قالب مثنوی را بکشیم، مانند شکل مقابل می‌شود:

قالب مثنوی بهترین قالب شعری است برای سرودن منظومه‌ها و شعرهای

بلند و طولانی؛ چون در هر بیت قافیه تغییر می‌کند و شاعر برای پیدا کردن

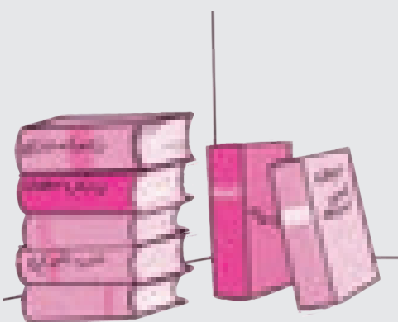
قافیه مناسب دچار مشکل نمی‌شود؛ داستان‌ها و منظومه‌های تعلیمی و

داستانی بسیاری در زبان فارسی، در قالب مثنوی سروده شده‌اند؛ مثل:

«شاهنامه» فردوسی، «بوستان» سعدی، «مثنوی معنوی» مولوی و «پنج گنج»

نظامی، یعنی «مخزن الاسرار» و «خسرو و شیرین» و «لیلی و مجنون» و «هفت

پیکر» و «اسکندرنامه».



۱۰- شعر طنز زیر سرودهٔ «جلال رفیع»، یکی از شاعران طنزپرداز هم‌روزگار ماست. شاعر در این شعر، که بخشی از آن را در این جا می‌خوانی، زبان حال مجسمهٔ فردوسی را در وسط میدان فردوسی شهر تهران، با زبانی شیرین بازگو می‌کند! این شعر را بخوان و بعد از این که حسابی کیف کردی، «قافیه‌های هر بیت آن را مشخص کن و در پایان نام قالب آن را هم بنویس.

چنین گفت فردوسی پاک‌زاد
 بسی رنج بردم در این سال سی
 ندیدم من از دهر غیر از ستم
 در این شهر آشفتهٔ بدسرشت
 سحر چون برآید بلند آفتاب
 بسی لشکر از وانت و کامیون
 اتوبوس و پیکان و بنز و ژیان
 به پا گشته هنگامهٔ رستخیز
 ز آدم، ز آهن، ز ریز و درشت
 به میدان فردوسی از چارسوی
 چه گویم؟ چه پیش آید از چرخ دون
 ز پیکان و پاترول، ژیان و رنو
 «ز سُم ستوران در آن پهن‌دشت
 بسی لشکر این‌جاست اندر بَرَم
 ز «سعدی» و «حافظ»^۶ به صد پیچ‌وتاب
 ز بالا و پایین و از غرب و شرق
 بیا، پیش‌تر آی، این‌جاست صَف
 اتوبوس چون مرغ، قُدُقَدکنان
 تو گویی که اینان، کیان در کیان
 تو گویی که تاریخ، تاریک بود
 ز بار ترافیک میدان خمید
 نیاید دگر از زبان قلم
 حکیمم، ابوالقاسم، طوسی‌ام

که رحمت بر آن پاک‌تندیس^۱ باد:
 ز دودِ تریلی، دَمِ تاکسی
 نخوردم در این شهر جز دود و دَم
 «ترافیک‌نامه» بیاید نوشت!
 کند چرخِ گردنده پا در رکاب^۲
 فرستد مرا بر سر، این چرخِ دون^۳
 همه گردِ میدان و من در میان!
 به هر سو، کسانند در جست‌وخیز
 «یکی پشتِ زین و یکی زین به پشت»^۴
 مرا گوش بخرآشد این‌های وهوی
 مرا بر سر اکنون، در این آزمون
 ز بنز و ز نیسان و گُلَف و پژو
 زمین شش شد و آسمان گشت هشت!^۵
 مگر بنده سرتیپ و سرلشکرم!
 بدین‌سو روان لشکر بی‌حساب
 همی آمد و رفت چون باد و برق
 بین محشرِ شیر از هر طرف
 زن و مرد چون جوجه سویش دوان!
 همی‌زاده‌اند از ترافیکیان
 بشر از تبار ترافیک بود
 «پل چوبی» و «پیچ شمرا»^۷ خمید
 که شرح ترافیک تهران دهم
 اگرچه به «میدان فردوسی» ام!

[نام قالب این شعر چیست؟.....]

۱- تندیس = مجسمه

۲- معنای مصراع دوم: آسمان شروع به گردش و چرخش کند.

۳- دون = پست

۴- مصراع دوم برگرفته از شاهنامهٔ فردوسی است.

۵- این بیت هم کلاً از شاهنامه برداشته شده‌است.

۶- منظور خیابان سعدی و خیابان حافظ، دوتا از خیابان‌های معروف و بزرگ شهر تهران است.

۷- «پل چوبی» و «پیچ‌شمرا» نام دو محل معروف است در شهر تهران.



۳- شعر «یاد حسین(ع)» را یک بار دیگر با دقت مرور کن و برای واژه «قلم» دو واژه «هم‌معنی» پیدا کن و

این جا بنویس.



۴- در هر بیت، معنا و منظور عبارتی که زیر آن خط کشیده شده، چیست؟

مانند بر یاد حسین(ع) تا صف محشر تشنه

۱. بُرد عباس جوان، ره چو سوی آب فرات

خامه با سوز، رقم کرد به دفتر تشنه

۲. خشک گردید هم از دود دل و دیده، دوات

این اشک دیده من و دود دل شماست

۳. نزدیک رفت پیرزنی گوژپشت^۱ و گفت:

۵- در هر بیت، بخشی که زیر آن خط کشیده شده است، به چه کسی اشاره دارد؟

بود آن خسرو بی‌لشکر و یاور تشنه

۱. آه و افسوس از آن روز که در دشت بلا

که ردیف سخنش آمده یک‌سر تشنه

۲. شد چنان از تف دل کام سخنور تشنه



۶- با جست‌وجوی دقیق هر بیت، برای واژه نوشته‌شده یک «مترادف» پیدا کن و روبه‌روی آن بنویس.

ور نه^۲ این شطّ روان چیست که بغداد است؟

خاکِ بغداد به خونِ خَلْفا می‌گرید

_____ رود

بر ورق کرد رقم، بس که مکرر تشنه

گشت از کلک «فدایی» چو دلش دود بلند

_____ قلم

چون در نماز استاده‌ام، گویی به محراب اندری^۳!

تا دل به مه‌رت داده‌ام، در بحرِ فکر افتاده‌ام

_____ دریا



۷- بیت‌های زیر را با دقت تمام، به نثر ساده و روان امروزی بازگردانی کن و بنویس.

که ردیف سخنش آمده یک‌سر تشنه

۱. شد چنان از تف دل کام سخنور تشنه

می‌تپیدی دلشان، سوخته در بر تشنه

۲. همچو ماهی که فُتد ز آب برون، آل‌نبی(ص)

تیغ را دیدم نهان‌کردن سزا

۳. چون درآمد در میان، غیر خدا

۱- گوژپشت = پشت خمیده

۲- ور نه = وگرنه

۳- گویی به محراب اندری = انگار در محراب ایستاده‌ای



۸- شعر «یاد حسین(ع)» را خوب بگرد و دو بیت پیدا کن که در آن‌ها «آرایهٔ تضاد» به کار رفته باشد. این بیت‌ها را در جای خالی بنویس و مشخص کن کدام واژه [ها] آرایهٔ تضاد را ایجاد کرده‌اند.

.....
.....

۱. بیت اول:

.....
.....

۲. بیت دوم:

یاد از قدیم ندیمما!

سال گذشته در کتاب فارسی یاد گرفتیم که هر گاه در یک عبارت، چه شعر باشد و چه نثر، چند واژه به کار برود، به صورتی که این واژه‌ها با هم ارتباط معنایی داشته باشند یا در یک حوزهٔ معنایی قرار بگیرند، می‌گوییم «آرایهٔ مراعات نظیر» درست شده است. برای نمونه، واژه‌های «سرو» و «چمن» و «گل» و «سمن» در بیت زیر، در یک حوزهٔ معنایی قرار می‌گیرند و تصویری از آن‌ها، بقیه را هم به ذهن متبادر می‌کند؛ به همین دلیل در این بیت آرایهٔ مراعات نظیر به کار رفته است:



سرو چمن من چرا میل چمن نمی‌کند

همدم گل نمی‌شود، یاد سمن نمی‌کند

یک نمونهٔ دیگر از آرایهٔ مراعات نظیر:

پیری و از جوانی حافظ، جوان تری

ای صائب زمانه، کلیم زمان، بمان!

در بیت بالا، «حافظ» و «صائب» و «کلیم» نام سه تن از شاعران بنام و پرآوازهٔ ادبیات فارسی است. کنار هم قرار گرفتن این سه نام در یک بیت و در کنار هم، باعث درست شدن آرایهٔ «مراعات نظیر» می‌شود.



۹- در شعر «یاد حسین(ع)» دو بیت پیدا کن که «آرایهٔ مراعات نظیر» داشته باشند. این بیت‌ها را این‌جا بنویس و دور واژه‌هایی که با هم ارتباط معنایی دارند، خط بکش.

.....

۱. بیت اول:

.....

۲. بیت دوم:

آرایه‌های ادبی



۱۰- در درس‌های قبل با آرایهٔ جناس و دو نوع اصلی آن آشنا شده‌ای. در بیت زیر یک «جناس تام» به کار رفته‌است. آن را پیدا کن و معناهای واژهٔ مورد نظر را در جای خالی بنویس.

«تشنه لب کشته شود در لب شط از چه گناه آن که سیراب کند در لب کوثر تشنه؟»
 واژه‌هایی که جناس تام دارند: (معنای اوّل: / معنای دوم:)

آرایه‌های ادبی



۱۱- در بیت زیر سه آرایهٔ ادبی متفاوت پیدا کن و هر کدام را جداگانه، در جای خود بنویس.

«بالب خشک و دل سوخته و دیدهٔ تر غرقهٔ بحر بلا بود در آن بر تشنه»

۱. آرایهٔ اوّل:
۲. آرایهٔ دوم:
۳. آرایهٔ سوم:

جای خالی



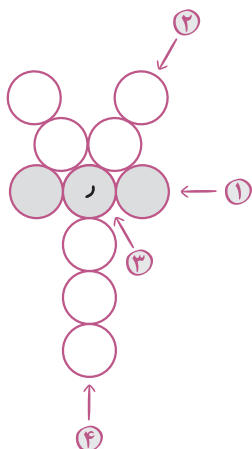
۱۲- جاهای خالی را در هر واژه با یکی از حرف‌های «ت» یا «ط» پر کن. (می‌توانی از معنای واژه‌ها هم کمک

بگیری!)

۱.ف: گرمی؛ حرارت
۲. ش.... : رودخانهٔ بزرگ
۳. دوا..... : مرکّب؛ جوهر
۴. فرا..... : نام رودخانه‌ای بزرگ در عراق
۵. ع.....شان: تشنه

۱۳- خانه‌های خالی را با دقت پر کن.

۱. برگه؛ کاغذ
۲. دریا
۳. مفرد ارقام
۴. روز قیامت



جای خالی

۱۴- در جمله‌های زیر، جاهای خالی را با حرف یا حرف‌های مناسب تکمیل کن.

۱. علی سر، طفل شش‌ماهه امام حسین(ع) بود که در کربلا به شهادت رسید.
۲. نگاه می‌کردم و رقه شکوه و اعجاز خالق درس بودم.
۳. با تولد حضرت فاطمه زهرا(س)، خداوند سوره کو..... سر را بر پیامبرش فرو فرستاد.

در این درس می‌آموزیم:



یکی دیگر از نشانه‌های مهم و تعیین‌کننده خط فارسی، «سرکج‌ها» هستند. در خط فارسی حرف‌های «ک» و «گ» سرکج دارند و تفاوت این دو حرف هم در همین سرکج‌ها است. بنابراین، باید هنگام نوشتن این حروف، به درست‌نوشتن و خوانا بودن سرکج‌ها دقت کنیم.

جای خالی

۱۵- در هر جمله، یک واژه نادرست نوشته شده است؛ آن را پیدا کن و شکل درستش را در جای خالی بنویس.

عزیزش ندارد خداوندکار

آن‌که سیراب کند در لب کوثر تشنه؟

دیدم دو هزار کوزه، گویا و خموش

غرقة بحر بلا بود در آن بر تشنه

۱. اگر بنده چابک نباشد به کار

۲. تشنه لب گشته شود در لب شط از چه گناه

۳. در کارکه کوزه‌گری رفته دوش^۱

۴. بال لب خشک و دل سوخته و دیده تر

بیشتر بدان، فرفر داشته باش!

شعرها را با توجه به موضوع و محتوایی که دارند، می‌توان به دسته‌ها و گروه‌های مختلفی تقسیم کرد. در این بین، یکی از انواع شعر فارسی، «شعر آیینی» است. همان‌طور که از نامش هم پیداست، «شعرهای آیینی» اشعاری هستند که موضوع و درون‌مایه آن‌ها با مسائل دین اسلام و شخصیت‌های اسلامی، مانند امامان(ع) و معصومین(ع)، در ارتباط باشد. شعرهای آیینی دسته بزرگی از شعرهای فارسی را تشکیل می‌دهند.

مهم‌ترین و بزرگ‌ترین دسته شعرهای آیینی فارسی، «شعرهای عاشورایی» هستند که دربارهٔ حادثه کربلا و وقایع روز عاشورا و مصیبت‌هایی که بر امام حسین(ع) و خانوادهٔ ایشان رفته‌است، سخن می‌گویند. یکی از معروف‌ترین شعرهای عاشورایی، «ترکیب‌بند محتشم کاشانی» است که حتماً شما هم بخش‌هایی از آن را شنیده یا خوانده‌ای و معمولاً بیت‌هایی از آن را روی کتیبه‌های محرم می‌نویسند و این‌طور آغاز می‌شود:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است؟

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است؟

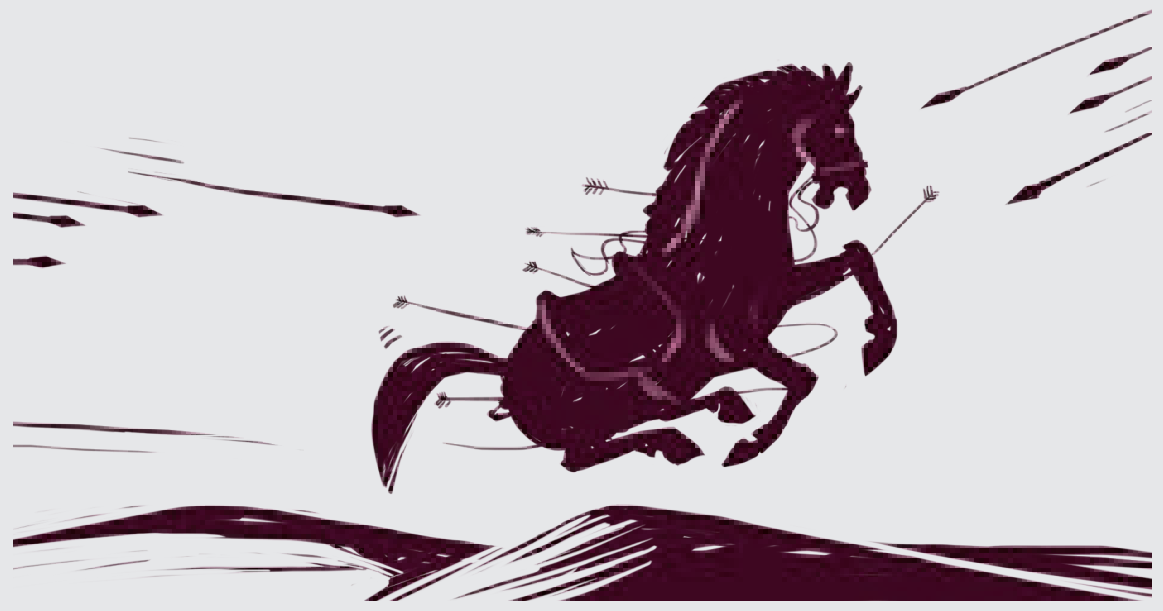
باز این چه رستخیز عظیم است، کز زمین

بی نفخ صور، خاسته تا عرش اعظم است؟...

جالب است بدانی که قدیمی‌ترین شعر عاشورایی در ادبیات فارسی، در سدهٔ چهارم و توسط شاعری به نام «کسایی» سروده شده‌است و با این بیت شروع می‌شود:

آراست بوستان را، نیسان^۱ به فرش دیبا

باد صبا در آمد، فردوس گشت صحرا



۱- نیسان = نام یکی از ماه‌های رومی که تقریباً هم‌زمان با اردیبهشت‌ماه است.



۱۶- شعر زیر، یکی از نمونه‌های «شعر عاشورایی» در روزگار ماست که مرحوم قیصر امین‌پور آن را سروده‌است.

این شعر را بخوان و سپس دور قافیه‌ها و زیر ردیف‌های آن خط بکش

خوشا از دل، نم اشکی فشاندن	خوشا از نی، خوشا از سر سرودن
خوشا نی‌نامه‌ای ^۱ دیگر سرودن	نوای نی، نوایی آتشین است
بگو از سر بگیرد، دلنشین است	نوای نی، نوای بینوایی است
هوای ناله‌هایش، نینوایی است	نوای نی، دوای هر دل تنگ
شفای خواب گل، بیماری سنگ	دل نی، ناله‌ها دارد از آن روز
از آن روز است نی را ناله پر سوز ^۲	چه رفت آن روز در اندیشه ^۳ نی
که این‌سان شد پریشان بیشه ^۳ نی؟	سری سرمست شور و بی‌قراری
چو مجنون در هوای نی‌سواری	پر از عشق نیستان سینه او
غم غربت، غم دیرینه او	سرش بر نی، تنش در قعر گودال
ادب را گه الف گردید، گه دال ^۴	ره نی، پیچ‌وخم بسیار دارد
نوایش زیر و بم بسیار دارد	سری بر نیزه‌ای منزل به منزل
به همراهش هزاران کاروان دل	چو از جان، پیش پای عشق سر داد
سرش بر نی، نوای عشق سر داد ^۵	به روی نیزه و شیرین زبانی!
عجب نبود ز نی، شکر فشانی!	سزد گر چشم‌ها در خون نشیند
چو دریا را به روی نیزه بیند	شگفتا بی سر و سامانی عشق!
به روی نیزه، سرگردانی عشق!	ز دست عشق، عالم در هیاهوست
تمام فتنه‌ها زیر سر اوست...	

۱- نی‌نامه = به بیت‌های آغازین مثنوی مولوی «نی‌نامه» می‌گویند. شاعر می‌گوید چه خوب است که نی‌نامه دیگری سروده شود.
 ۲- نی، سازی محزون و غم‌انگیز است. می‌گوید ناله‌های نی، پس از آن‌که روز عاشورا را دید، پر از سوز و گداز شده‌است.
 ۳- بیشه = نیزار؛ نیستان
 ۴- معنای مصراع دوم: برای ادب و احترام به دستور خداوند، گاه مانند الف ایستاد و گاه مانند دال خم شد. بیت به امام حسین (ع) اشاره دارد.
 ۵- سر دادن = خواندن؛ سرودن

در این درس می‌آموزیم که:

«ردیف» در شعر، یکی از ویژگی‌های اختصاصی زبان و ادبیات فارسی است که در کم‌تر زبانی دیده می‌شود. ردیف به واژه یا واژه‌هایی می‌گویند که بعد از قافیه، عیناً در پایان بیت‌ها یا مصراع‌ها تکرار می‌شوند و به موسیقی شعر کمک بسیار می‌کنند. نکته مهم دربارهٔ ردیف این است که حتماً بعد از قافیه می‌آید؛ بنابراین اگر در مصراع یا بیتی قافیه نداشته باشیم، طبیعتاً ردیف هم نداریم!

نکته بعد این که ردیف، واژه یا واژه‌هایی است که معنایی دقیقاً مثل هم داشته باشند و اگر معنایشان با هم متفاوت باشد، دیگر ردیف به حساب نمی‌آیند. مثلاً در بیت زیر:

شد از بیم، همچون تن بی‌روان

به سر بر، پراکنده ریگِ روان^۱

واژه «روان» ردیف نیست؛ چون «روان» در مصراع اول به معنی «جان» است و در مصراع دوم به معنی «جاری». در این جا «روان» قافیهٔ بیت است!

مطلب مهم دیگر این است که ردیف می‌تواند یک واژه باشد، مانند رباعی زیر:

حق دارد اگر ز خلق، دامن چیده است

از داغ عزیزی است، اگر خشکیده است

بیهوده ترک نخورده لب‌های کویر

لب‌های حسین بن علی (ع) را دیده است^۲

که در مصراع‌های اول و دوم و چهارم، «است» ردیف است.

هم‌چنین ردیف می‌تواند بیش از یک واژه باشد. مثلاً در رباعی زیر:

با من بودی مَنّت نمی‌دانستم!

یا من بودی مَنّت نمی‌دانستم!

تا من ز میان شدم^۳، تو گشتی پیدا

تا من بودی مَنّت نمی‌دانستم!

واژه‌های «با» و «یا» و «تا» قافیه هستند و بقیهٔ مصراع، یعنی «من بودی مَنّت نمی‌دانستم»، ردیف است!

۱- معنای بیت: از ترس مانند پیکر بی‌جان شد و خاک بر سر خود ریخت.
۲- این رباعی سرودهٔ میلاد عرفان‌پور است.
۳- شدم = رفتم



۱۷- شعر زیر هم یکی از نمونه‌های قدیمی شعرهای عاشورایی و سروده «سیف قرغانی» است. آن را بخوان و در هر بیت، ردیف و قافیه را پیدا کن. سپس دور قافیه و زیر ردیف‌ها خط بکش.

ای قوم در این عزا بگریید	بر کشته کربلا بگریید
با این دل مُرده، خنده تا چند	امروز در این عزا بگریید
فرزند رسول(ص) را بکشند	از بهر خدای را، بگریید
از خون جگر سرشک ^۲ سازید	بهر دل مصطفی(ص) بگریید
با نعمت عافیت ^۳ ، به صد چشم	بر اهلِ چنین بلا، بگریید
دل خسته ماتم حسین(ع) اید	ای خسته‌دلان، هَلا! ^۴ بگریید
در ماتم او خَمَش مباحید	یا نعره زید یا بگریید
تا روح که متصل به جسم است	از تن نشود جدا، بگریید
در گریه سخن نکو نیاید ^۵	من می‌گویم، شما بگریید
بر جور و جفای آن جماعت	یکدم ز سرِ صفا بگریید
اشک از پی چیست؟ تا بریزید	چشم از پی چیست؟ تا بگریید
نِسیانِ گَنه، صوابِ تَبود ^۶	کردید بسی خطا، بگریید
وز بهر نزولِ غیثِ رحمت ^۷	چون ابر، گه دعا، بگریید

۱- از بهر خدای را = برای رضای خداوند

۲- سرشک = اشک

۳- عافیت = سلامت

۴- هلا = صوت تنبیه و به معنی «آگاه باشید» است.

۵- هنگام گریه کردن، نمی‌توان خوب سخن گفت؛ پس...

۶- معنای مصراع: فراموش کردن گناه، کار درستی نیست.

۷- معنای مصراع: برای فرو ریختن باران رحمت خداوند...